

گزارش

مسیر ناکجاآباد صلح خاورمیانه

در پی بن‌بست مذاکرات صلح خاورمیانه، دولت امریکا با ارائه برنامه‌ای خواهان تعلیق شهرک‌سازی‌ها در مناطق فلسطینی به مدت سه ماه شده است. واشنگتن برای تشویق اسرائیل به پذیرش این برنامه ضمانت‌های سیاسی و نظامی به این کشور داده است. باراک اوباما که امیدوار است مذاکرات صلح خاورمیانه به زودی آغاز شود با ارائه بسته مشوق نظامی و سیاسی به اسرائیل خواهان ادامه تعلیق شهرک‌سازی‌ها در مناطق فلسطینی به مدت ۹۰ روز شده است. این بسته شامل ضمانت‌های متعدد امنیتی و سیاسی به اسرائیل است. امریکا همچنین متعهد شده است در مجامع بین‌المللی، از جمله در شورای امنیت سازمان ملل متحد، از اسرائیل پشتیبانی کند. امریکا همچنین با ارسال ۲۰ جنگنده بسیار پیشرفته «ف-۳۵» به ارزش سه میلیارد دلار به اسرائیل موافقت کرده است. اسرائیل در ازای این بسته مشوق باید تعهد کند که مدت توقف شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری را به مدت ۹۰ روز تمدید خواهد کرد. رهبران فلسطینی توقف شهرک‌سازی‌ها را شرط بازگشت خود به میز مذاکرات عنوان کرده بودند. به گفته ناظران سیاسی، برنامه شهرک‌سازی‌ها نه‌تنها موضوعی محوری در روند صلح است، بلکه ادامه ائتلاف دولتی در اسرائیل نیز وابسته به این برنامه است. به گزارش رسانه‌های اسرائیلی، حزب «خانه یهودی» که در ائتلاف دولتی شرکت دارد، اعلام کرد در صورت پذیرش و اجرای برنامه امریکا، این حزب ائتلاف دولتی را ترک خواهد گفت. این حزب مذهبی حدود سه نماینده در کنست (پارلمان اسرائیل) دارد. سیلوان شالوم وزیر توسعه و همکاری اسرائیل و عضو ارشد حزب لیکود نیز تصریح کرد اگر اسرائیل به مدت سه ماه شهرک‌سازی‌ها را متوقف کند، «فشار انچنان بر ما افزایش خواهد یافت که تصمیم‌گیری دائمی درباره مرزها را مشکل می‌سازد». وی که در کابینه امنیت داخلی نیز عضویت دارد، صریحاً تأکید کرد «همتاسفانه پذیرش این پیشنهاد خطایی بزرگ خواهد بود». به گزارش ایسنا، نشریه فارن پالیسی در تحلیلی درباره پیشنهاد اخیر باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا به دولت بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در مورد توقف شهرک‌سازی‌ها در اراضی اشغالی نوشت: پیشنهاد اخیر دولت اوباما به اسرائیل در راستای جست‌وجوی خیالی‌فانهاش برای توقف کامل شهرک‌سازی‌ها در کرانه باختری، در نگاه اول یک توافق شیرین برای بنیامین نتانیاهو به نظر می‌رسد.



حال این تغییر موضع نامناسبی از سوی امریکا در روند میانجیگری میان اسرائیل - فلسطین به حساب می‌آید. پیامدهای مشکل‌سازی که این بسته پیشنهادی امریکا برای اسرائیل دارد، به جای ایجاد چشم‌اندازی روشن برای حصول موفقیت در مذاکرات صلح بیشتر ابهام و تردید ایجاد می‌کند. یکی از مواردی که در این پیشنهاد آشوبه به اینک اسرائیل بیشتر نگران کننده به نظر می‌رسد، این است که میان توافق تل آویو برای توقف شهرک‌سازی‌ها و دیگر مسائل سیاسی غیرمرتبط، ارتباط ایجاد شده است. واشنگتن مدت‌هاست با ابتکار عمل‌های شورای امنیت سازمان ملل در هدف قرار دادن اسرائیل مخالف بوده است. یکی دیگر از موارد نگران‌کننده و بی‌ربط در این پیشنهاد، ارتباط ایجاد موضوع کمک‌های امنیتی امریکا به تل آویو برای توقف روند شهرک‌سازی‌هاست. پیشنهاد اعطای جنگنده‌های «ف-۳۵» به دولت نتانیاهو را می‌توان به دو صورت تفسیر کرد: اول اینکه دولت اوباما ممکن است معتقد باشد این جنگنده‌ها برای امنیت اسرائیل غیرضروری هستند و از این جنگنده‌ها به عنوان «رشوه» به تل آویو که برای مالیات‌دهندگان امریکایی سه میلیارد دلار آب می‌خورد، استفاده می‌کند. دوم اینکه امریکا ممکن است معتقد باشد که این جنگنده‌ها برای امنیت اسرائیل مهم به شمار می‌روند و دادن این جنگنده‌ها به اسرائیل در راستای منافع هر دو طرف است و از این موضوع به عنوان اهرم فشار استفاده می‌کند. با توجه به اینکه ممکن است مقامات اسرائیلی به داشتن سخت‌افزارهای بیشتر تمایل نشان دهند، آنها بدون شک از کنار دریافت این جنگنده‌ها به آسانی نخواهند گذاشت. وعده اوباما برای عدم درخواست مجدد توقف شهرک‌سازی‌ها نیز نشان می‌دهد دولت او هنوز به درستی نتوانسته تشخیص دهد مشکل اقدامات دولتش در روند ایجاد صلح خاورمیانه چیست. دولت اوباما بارها به دنبال توقف کامل شهرک‌سازی‌ها به عنوان پیش‌شرط برای هر گونه مذاکرات (طبق نظر فلسطینی‌ها) بوده است که بارها با مخالفت تل آویو مواجه شد. لازم است دولت اوباما به توافق‌های حاصل‌شده در سال‌های گذشته میان اسرائیل - فلسطین در دولت‌های قبلی امریکا بازگردد. دولت اسرائیلی‌ها نیز مهم‌تر از اینکه مرزهای احتمالی چگونه در مذاکرات با فلسطینی‌ها تعیین شود، این است که به دنبال تعیین مرزها و اتخاذ تدابیر امنیتی برای جلوگیری از حملات موشکی فلسطینی‌ها باشند. موضوع تعیین مرزها نیز مهم به شمار می‌رود. برای حصول یک توافقنامه صلح پایدار باید به موضوع مرزبندی‌ها اهمیت بیشتری داده نشود و حل و فصل مرزبندی‌ها برای ایجاد این توافق حیاتی به شمار می‌رود.

جهان

برگی از تاریخ: سالگرد ترور کندی

شلیک به امریکای جوان



کشورتان چه می‌تواند برای شما بکند، بلکه بپرسید شما چه می‌توانید برای کشورتان بکنید» یا «آنانی که انقلاب صلح‌آمیز را غیرممکن کنند، انقلاب خشونت‌آمیز را گریزناپذیر می‌کنند». کندی را شاید بتوان نمادی از نسل عصیانگر دهه ۶۰ قرن گذشته میلادی نامید. نسل طافی خسته از جنگ ویتنام و همدل با گام‌های کاسترو و

چه‌گوارا در جنگل‌های سیراماسترا که ترجمان صدای خود را در ترانه‌های هنجارگیز «بیتل‌ها» و «پینک فلوید» می‌یافت. چارلز ویلر خبرنگار کهنه‌کاری که در دهه ۶۰ میلادی از نزدیک با «جادوی کندی» برخورد کرده بود درباره علل جذابیت ماندگار او می‌گوید: خصوصاتی که به آن مرد، جذابیت و انحصار به فرد می‌بخشید و هنوز می‌بخشد چه بود؟ آیا این کشش ناشی از جذابیت چهره یا سرزندگی‌اش بود؟ یا علت ژاکلین، همسرش، بود؟ یا شاید هم پچه‌هایش و قایم موشک بازی در دفتر کار رئیس‌جمهور در کاخ سفید؟ جذابیت چهره یکی از این عوامل بود. زمان ورود او به کاخ سفید پس از شخصیت

در همین زمینه

برخی جمله‌های مشهور کندی

– از خدا نخواهید که زندگی‌تان را آسان تر کند، دعا کنید که شما را **مقاوم تر** کند.

– پیروزی هزاران پدر دارد، ولی شکست یک طفل یتیم است.

– نادیده گرفتن یک‌رای‌دهنده در جامعه دموکرات، امنیت همه را به خطر می‌اندازد.

– اگر یک جامعه آزاد نتواند مردم زیادی را که فقیر هستند، نجات دهد مسلماً از نگهداری آن تعداد اندکی که ثروتمند هستند نیز عاجز خواهد بود.

یادداشت

ابرهای تیره جنگ

سیامک طاهری

می‌گویند سیاست ادامه اقتصاد و جنگ ادامه سیاست با ابزاری دیگر است. وقتی فیدل کاسترو رهبر سابق و بازنشسته کوبا که هنوز دوران نفاقت را طی می‌کند از احتمال یک جنگ اتمی سخن گفت بسیاری از مخالفانش این سخنان او را به دلیل پیری و از دست دادن توان ذهنی‌اش دانستند. اما وقتی که رهبران دو نهاد مهم و تاثیرگذار جهانی یعنی صندوق بین‌المللی پول و سازمان تجارت جهانی از وقوع جنگ ارزی سخن گفتند و به طور ضمنی از احتمال وقوع جنگ جهانی دیگری سخن به میان آوردند هیچ کس چنین نسیبتی به آنها نداد. شبیه داستان بحران اقتصادی جهان امروز با سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم به این معنا است که احتمال وقوع جنگ جهانی سوم را باید در نظر داشت. هرچند مشکلی یکسان در دو مقطع زمانی متفاوت ضرورتاً به‌گونه‌ای همسان حل نمی‌شود، ولی امکان آن را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت. صمود حیرت‌آور چین به جایگاه دوم اقتصاد جهانی پس از امریکا و شکوفایی اقتصادی آن، در شرایطی که کشورهای امریکایی و اروپایی دچار بحران عمیقی هستند و این پیش‌بینی که این‌کشور در کمتر از ۱۰ سال امریکا را پشت سر خواهد گذاشت، ایالات متحده را بر سر دواهی‌ای قرار داده است که از هر سو برایش خطرناک است. این کشور برای حل مضل بحران همه‌جانبه خود یا باید وارد جنگ جدیدی شود یا همچون انگلستان بعد از جنگ جهانی دوم به‌غعب‌نشینی دست زند و به مقام دومی جهان رضایت دهد. کمی پیش از آغاز سال ۲۰۰۰ ابرهای تیره بر فراز کشورهای صنعتی پیشرفته و بیش از همه امریکا متراکم شدند. امریکاییان با انتخاب جرج بوش در واقع چگونگی اراده خود را برای برپون‌رفت از بحران برگزیدند. این پیشگویی بزرگی از سوی کارشناسان سیاسی نبود که انتخاب جرج بوش یعنی انتخاب جنگ. در امریکا هنگام بحران‌های اقتصادی همواره دو سیاست در مقابل هم قرار داشته است؛ سیاست دفاع از صنایع جنگی و سیاست دفاع از صنایع مصرفی. مدافعان صنایع جنگی همواره کوشیده‌اند با برپایی جنگ‌های محدود ضمن جاری ساختن اراده ایالات متحده در تمامی ساختار جهان با هزینه‌های نظامی و با رونق بخشیدن به بازار سلاح به رشد اقتصادی این کشور شتاب دهند. چنین بوده است که جنگ‌های کره، ویتنام، کامبوج، لاوس، آنگولا و… و نیز دفاع از حکومت‌های نظامی همراه با کودتاهای بی‌دری در ایران، اندونزی، سودان و… شکل گرفت. در مقابل لابی‌های صنایع مصرفی کوشیده‌اند با محدود کردن محتاطانه نظامی‌گری بخشی از بودجه را در راه گسترش صنایع غیرنظامی خرج کنند. آنچه امروز در پس میاهوی کارزار تبلیغاتی یوت‌بارتی و جمهوریخواهان علیه اوباما قرار دارد نیز چیزی نیست جز همان جنگ کهنه سرمایه‌داران علیه یکدیگر. سیاست اوباما در نهایت عبارت است از جاری ساختن بودجه عمومی در جهت گسترش خدمت درمانی و اجتماعی. این کار در همان حال که به نفع بسیاری از فقیران امریکایی است، چشمی کمپانی‌های بزرگ داروسازی و سازندگان تجهیزات پزشکی را نیز بیرون خواهد کرد؛ همان پول‌هایی که در زمان جرج بوش به جیب



سازندگان انواع هلی کوپتر، تانک و هواپیما می‌رفت. مشکل اوباما پیش از هر چیز از آنجا آغاز شد که در زمانهای یابد سیاست خود را بی می‌گرفت که از یک سو با بحران اقتصادی قبیلی اروپا، روبرو بود و از نسوی دیگر با دو جنگ بی‌انده در عراق و افغانستان. او به هر دلیل موفق نشد تا پیش از شروع طرح‌های اقتصادی خود به این جنگ‌ها پایان دهد تا با آسودگی خیال هزینه‌های مربوطه را به سوی طرح‌های خود روانه کند، در نتیجه هزینه طرح‌های جدید بر هزینه‌های قبلی داروسازی و سازندگان تجهیزات پزشکی را نیز بهانه‌ای که راستگرایان جنگ‌طلب به خوبی از آن بهره‌برداری کردند. مشاوران اوباما تنها راه مقابله با این بحران را در پایین آوردن ارزش پول امریکا دانستند اما این به معنای فقیر تر شدن یک‌شبه همه مردم امریکاست. با پیروزی نسبی جناح جنگ‌طلب در انتخابات کنگره و فرمانداری‌های سیاست‌های اوباما تا حدودی دچار مشکل می‌شود اما فرواموش نکنیم که اوباما هنوز در سنا از اکثریت تر برخوردار است. افزون بر آن در امریکا رئیس‌جمهور از قدرت بیشتری از نمایندگان برخوردار است. بنابراین اوباما یک نبرد را باخته‌است، نه تمامی آن. کارزار را. امریکا در بیش از ۱۰۰ نقطه جهان پایگاه نظامی دارد. نوگان این کشور افزون بر آب‌های کشورهایی که در آن پایگاه دارد، در همه آب‌های آزاد جهان روان است. این همه، هزینه‌های بسیاری را بر این کشور تحمیل می‌کند.افزون بر آن طرح‌های نظامی همچون سیر دفاع موشکی جهان بهانه‌ای نظامی این کشور را به ارقام نجومی نزدیک کرده است. انتشار اوراق قرضه جدید، در حالی که بازار ملو از اوراق قرضه قبلی است در عمل یعنی انباشتن کشور از پولی بی‌ارزش. چین پیشاپیش راه مقابله با این حرکت را یافته است و با وصل کردن ارزش پول خود به دلار ملات تا حدود زیادی جلوی ضرر را خواهد گرفت. به این ترتیب پول چین در هر حالت در مقابل پول امریکا ثابت می‌ماند و با پایین آمدن آن، پول چین در مقابل پول کشورهای اروپایی و ژاپن پایین خواهد آمد. به این ترتیب ضررکننده اصلی کشورهای اروپایی و ژاپن خواهند بود. در نتیجه در باز بودن آنان نیز مجبور به واکنش می‌شوند و اقدام متقابلی را انجام خواهند داد و این امر به صورت زنجیروار ادامه می‌یابد. در اینجا این سوال باقی می‌ماند که در صورت ادامه این روند آیا این کشورها به همین اقدامات بسنده خواهند کرد و در صورتی که جواب منفی باشد اقدام بعدی چیست؟ امریکا تجربه تجربه جنگ‌های محدود در افغانستان و عراق را با عدم موفقیت پشت سر گذاشته است. به این ترتیب احتمال انتخاب این گزینه تا حد زیادی محدود می‌شود. در صورتی که این کشور نخواهد همچون انگلستان گزینه خلع سلاح را در پیش بگیرد یک راه بیشتر برایش باقی نمی‌ماند و آن هم یک جنگ گسترده در ابعادی جهانی است ولی چنین جنگی احتمال نابودی همه به‌شیرت از جمله امریکاییان را به همراه دارد. این گونه است که انتخابات آینده امریکا در سال ۲۰۱۲ از هم‌کنون اهمیت کهن‌نظاری یابد.

که مردم آن فاقد هرگونه فضیلتی تلقی شوند. همه ما ساکن همان کره کوچکیم، همه همان‌ها و را تنفس می‌کنیم، همه به آینده فرزندان خود اهمیت می‌دهیم و همه ما رفتنی هستیم.» آن سخنرانی به ندرت گزارش شد و امروز نیز به ندرت به یاد آورده می‌شود. او آن سخنرانی را با یک پیش‌بینی به پایان رساند: «تاریخ به ما می‌آموزد که خصوصت‌ورزی ملل علیه یکدیگر برای همیشه ماندگار نخواهد بود. گذر زمانه و رویدادها اغلب تغییرات غیرمنتظره‌ای در روابط ملل حادث می‌کند.» این گفته یک ربع قرن بعد به واقعیت پیوست. کندی بالاتر از هرچیز مردی جلوتر از زمانه بود. معمای ناگشوده قتل کندی همچنان گاه و بیگاه وجدان امریکاییان را قفل‌ک می‌دهد. کندی در روز جمعه ۲۲ نوامبر ۱۹۶۳ در ساعت ۱۲:۳۰ بعدازظهر در دالاس مرکز ایالت تگزاس به قتل رسید. «لی هاروی اسوالد» در ساعت هفت بعد از ظهر همان روز به جرم قتل یک مامور پلیس دالاسی مجرم شناخته شد و ساعت ۱۱:۳۰ شب به‌عنوان قاتل رئیس‌جمهور معرفی شد. اسوالد تنها دو روز بعد در ایستگاه پلیس دالاس توسط «جک روبی» به قتل رسید. «لی هاروی اسوالد» اعلام کرد او به کسی تیراندازی نکرده و مدعی شد که او به‌عنوان «طعمه» استفاده شده است. او مدعی شد عکسی که او را با سلاح قاتله نشان می‌داد جعلی است و صورت او را به بدن یک دیگری چسبانده‌اند. به دلیل مرگ او، بی‌کناهی یا مجرمی‌اش هرگز در دادگاهی اثبات نشد. بعضی منتقدان می‌گویند اسوالد هیچ نقشی در این ترور نداشته‌است. پنج روز پس از مرگ اسوالد، رئیس‌جمهور جدید لیندن ب جانسون «کمیسون وارن» را تشکیل داد تا پرونده این ترور بیشتر بررسی شود. این کمیسون نتیجه گرفت اسوالد در جنگ ویتنام و همدل با گام‌های کندی در فراغت که بعدها در دهه ۷۰ توسط «کمیته انتخابی مجلس برای ترورها» صورت گرفت نیز قاتل بودن اسوالد را تایید کرد اما این کمیته ادعا کرد او احتمالاً تنها بخشی از دسیسه برای قتل رئیس‌جمهور بوده است. با این حال این کمیته مدركی دال بر شرکت کس دیگری در این دسیسه ارائه نکرد. منتقدان تئوسی‌های بسیاری در او انگیزی، قتل کندی و مسوولان آن ارائه کرده‌اند که به‌همدیگر و با گزارش‌های رسمی دولت بسیار متفاوت هستند. از مهم‌ترین مسائلی که مطرح می‌شود می‌توان به تعداد گلوله‌ها، چتی که گلوله‌ها از آن شلیک شدند، و اینکه کدام یک از گلوله‌ها به رئیس‌جمهور و کدام به فرماندار «جان کانلی» برخورد کرده، اشاره کرد.

سیاسی واشنگتن، برگ برنده و نیروی بازدارنده‌ای در روند رویدادهای آتی در حوزه سیاست خارجی این کشور محسوب می‌شود. نکته جالب در پیشنهادات کمیسون مستقل آنجا رقم می‌خورد که با فرضیات دوگانه موفقیت‌شکست در وضعیت محور موجود، جنگ افغانستان به نتیجه تقریباً واحدی بر حول کاهش نیروهای نظامی صحه می‌گذارد. اعضای ۲۵نفه تحلیلگران این کمیسون حتی پا را فراتر از برنامه کنونی رئیس‌جمهوری امریکا گذاشته و بر حضور ۲۰ هزار نیروی ویژه به جای ۱۰۰ هزار سرباز فعلی تاکید می‌کنند. انتشار نتایج نهایی اسناد این کمیسون مستقل به همان میزان که برای اوباما «تسهیل‌کننده راه» در اتخاذ استراتژی جنگ افغانستان است برای جمهوریخواهان «سد راه» و عنصر بازدارنده جهت اعمال فشار بر حریف خواهد بود. جهت‌گیری تازه اوباما در نزدیکی به هند و انتقاد آشکار نسبت به نقش اسلام‌آباد در مبارزه با تروریسم داخلی نیز دقیقاً در انطباق با داده‌ها و پیشنهادات این کمیسون مستقل بوده است که در سفر اخیر وی به شبه‌قاره بر آن انگشت گذاشته بود. معمولاً در ایالات متحده اسناد و تحلیل‌هایی که توسط کمیسون‌های مستقل در خصوص موضوعات داخلی و خارجی انتشار می‌یابد به عنوان سند ملی و داده‌های فراخیزی تلقی شده و در ساخت سیاسی و افکار عمومی در موقعیت ویژه و تقریباً فُصل‌المرتب بودن برخوردار است. با توجه به بن‌بست جنگ افغانستان و نارضایتی افکار عمومی از ادامه حضور سربازان امریکایی در این کشور، نتایج اعلام‌شده توسط کمیسون مذکور می‌تواند مانع محکمی جهت اعمال فشار و انتقاد از استراتژی جدید باراک اوباما در مورد این بحران به حساب آید. زمان انتشار نتایج بررسی‌های کمیسون مستقل دوحربی نیز از اهمیت بالایی برخوردار است چرا که جمهوریخواهان به جهت کامیابی نسبی در انتخابات میاندورهای اخیر از همان شب اعلام نتایج پیروزی خود بر طبل جنگ با سیاست‌های خارجی دولت اوباما کوبیده بودند که با این روند به نظر می‌رسد حداقل در مورد افغانستان آنان باید فعلاً کوشش طبل جنگ خود را متوقف کنند.

کمیسون مستقل دوحربی در خدمت اوباما



پاکستان در بی‌ثباتی افغانستان از رئیس‌جمهوری می‌خواهد پیام صریح‌تری برای جلب نظر این کشور در مبارزه با تروریسم برای اسلام‌آباد بفرستد. پیشنهادات کمیسون مستقل بررسی روند جنگ افغانستان در شرایطی که حزب جمهوریخواه در انتخابات میاندورهای کنگره به پیروزی قابل توجهی دست یافته و ریاست مجلس نمایندگان را به دست می‌گیرد، بسیار بااهمیت تلقی خواهد شد. جمهوریخواهان همواره نسبت به سیاست خارجی اوباما به خصوص در مورد استراتژی جنگ افغانستان که خروج تدریجی نیروهای نظامی را توصیه می‌کند، به شدت انتقاد کرده و این موضوع را پیام منفی امریکا به طالبان جهت تشدید حملات و روحیه بخشیدن به نیروهای خودقلمدار کرده‌اند. بعد از پیروزی محافظه‌کاران در کنگره به عقیده بسیاری از تحلیلگران مقاومت در مورد سیاست خارجی دولت اوباما ابعاد تازه‌تری به خود گرفته و موجب کارشکنی جناح رقیب در این مورد خواهد شد. تحلیل داده‌های جنگ افغانستان توسط این کمیسون مستقل دوحربی و توصیه‌های آن که دقیقاً در راستای رویکرد و استراتژی باراک اوباما است با توجه به اعتبار سیاسی چنین نتایجی در ساخت

در جناح رقیب در ساخت درونی امریکا روبه‌رو شد. این مخالفت‌ها از آنجا که برخلاف داده‌های عینی و تمایل افکار عمومی داخلی و خارجی بود هرگز قادر به ایجاد مشکل و سد راه برای پرزیدنت دموکرات امریکا نبود. وی که بعد از دو سال کمال با اوضاع مسلط شده و بر وضعیت عینی افغانستان اشرف پیدا کرده بود همسو با تغییر استراتژی در این جنگ شدت به یک بازی از پیش‌برده در استفاده از تشکیل یک کمیسون مستقل دوحربی جهت تحلیل داده‌های موجود زد که به نظر می‌رسد جواب داده است. صحنه گذاشتن بر رویکرد اوباما از وی می‌خواهد استراتژی خود در افغانستان را محدودتر کرده و تعداد نیروها را به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش دهد. این کمیسون دوحربی که زیر نظر «ریچارد آرمیتاژ» معاون وزارت امور خارجه دولت بوش و «ساموئل برگر» معاون امنیت ملی دولت بیل کلینتون اداره می‌شود، پیشنهاد می‌کند اگر دولت اوباما در مطالعه ماه آینده راهبرد جنگ افغانستان به این نتیجه رسید که استراتژی کنونی موثر بوده است، امریکا می‌تواند نیروهایش را مطابق برنامه از ژوئیه به تدریج کاهش دهد.